

ادبیات داستانی و توسعه اجتماعی

مطالعه موردی؛ پژوهش در داستان‌های دهخدا، جمال‌زاده، هدایت، آل احمد، دانشور

کبری مژده جویباری،^۱ عیسی چراتی^۲

چکیده

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آیا نویسندگان معاصر در دوران ورود مدرنیته به ایران، توجهی به توسعه و گذر از سنت داشته‌اند؟ و اگر این‌گونه بوده چه مفاهیمی را مدنظر داشته‌اند؟ در این بین با بررسی آثار از پنج نویسنده (دهخدا، جمال‌زاده، هدایت، آل احمد و دانشور) که در بازه زمانی ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰ خورشیدی نوشته شده‌اند، در پی پاسخ به این پرسش با شیوه تحلیل محتوا پرداختیم. در نهایت با شمارش مقولات مفهومی سنتی و عناصر و پیش‌نیازهای مدرنیته و توسعه، مشخص شد در تعداد دفعات استفاده از مفاهیم سنتی و مدرن، بیش‌ترین مقولات مطرح‌شده مربوط به عناصر مرتبط با توسعه فرهنگی بوده است. بر این اساس حرکت رو به تغییر در ادبیات معاصر ایران را می‌توان حرکتی آگاهانه دانست. این وضع در آثار نویسندگان مورد بررسی نشان‌دهنده بینش و درک مسئله توسعه در ایران در بازه زمانی ذکر شده است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات داستانی، توسعه، سنت، تحلیل محتوا.

مقدمه

ادبیات که به مثابه زبان عام فرهنگ یک اجتماع عمل می‌کند، نقش خود را از ورای تار و پود سبک‌ها و تکنیک‌های نویسندگی متجلی می‌کند. این‌که تار و پود آثار ادبی متعهد و متعلق به چه اندیشه‌ای است، مستلزم شناخت عصری است که نقش ادبی از آن برآمده است. معمولاً نویسنده تحت تأثیر مخاطب و محیط، اثرش را خلق می‌کند. محیط می‌تواند محیط طبیعی و انسانی اعم از سیل و طوفان تا نهاد حکومت و آموزش باشد و مخاطب می‌تواند از نظر نویسندگان بر حسب سن، جنس، طبقه اجتماعی و تحصیلات، شناسایی شود. در ادبیات اثر خلق شده رابطه‌ای دیالکتیکی ایجاد می‌کند و به گونه‌ای بازنمایی شده مجدداً بر مخاطب و محیط اثر می‌گذارد. این تأثیر بر اولی مستقیم و بی‌واسطه و در دومی غیرمستقیم و به واسطه مخاطب است؛ هم‌چنان‌که مخاطب و محیط نیز به واسطه نویسنده بر اثر تولیدشده مؤثرند.

اگر بپذیریم که هنرمند فرزند زمانه خویش است. باید هنر او نیز آینه تمام‌نمای وقایعی باشد که مردمش را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اگر جامعه در بستر بی‌خبری در گذرگاه زمان است، شایسته است که هنر او بانگ بیدارباش ملتش باشد. بنابراین یکی از شیوه‌های شناخت جامعه‌ای که گرد تاریخ بر آن نشسته، شناخت ادبیات آن است. «ادبیات، ارتباط خود را گاه به صورت آشکار و گاه به صورت پنهان بیان می‌کند، حتی زمانی که نویسنده نیت پرداختن به مسائل اجتماعی را ندارد، متن به سبب شبکه پیچیده دلالت‌هایش با حیات اجتماعی ارتباط می‌یابد» (برکت، ۱۳۸۵: ۱۲).

از آنجا که ادبیات و صاحبان قلم در هر کشور محرک فکری و توسعه هستند، شناخت آثار و تفکرات این نویسندگان یکی از جنبه‌های شناخت وضعیت توسعه یا روند توسعه است. حال این نکته از این نظر مهم و قابل ارزیابی و بررسی بوده است که نویسندگان ایرانی به چه میزان به مفهوم توسعه و انواع آن در آثارشان و در ارائه به مخاطبانشان توجه و تأکید داشته‌اند.

بحث و بررسی

الف) توسعه

توسعه (Development) در معنای زیستی و اخلاقی، رشد یک موجود یا یک استعداد را می‌رساند (رک. بیرو، ۱۳۷۵: ۱۹) اما در زندگی اجتماعی انسانی، توسعه عبارت است از دگرگونی کیفی و ساختاری در تمام ارکان و عناصر جامعه. آن طور که جامعه از وضعیت موجود به وضعیت نوین گذر می‌کند. مثلاً از مرحله کشاورزی به مرحله صنعتی و یا از مرحله وابستگی به مرحله خوداتکایی و خودکفایی (رک. سیف‌اللهی، ۱۳۸۶: ۳۷) قابل ذکر است که توسعه، ابعاد و انواع چندی دارد که می‌توان به توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی اشاره کرد. هم‌چنین توسعه را می‌توان به قسمی دیگر به درون‌زا و برون‌زا تقسیم نمود.

الف - ۱) توسعه درون‌زا، توسعه برون‌زا

درون‌زا یا برون‌زا بودن توسعه، نقل شیوه هدایت و ایجاد توسعه است. اگر توسعه متوسل به حمایت و هدایتی بیرون از جامعه باشد، توسعه‌ای برون‌زا و اگر تکیه بر فرهنگ و سنت بومی باشد، درون‌زا خواهد بود. با این حال برخی معتقدند که توجه به یافته‌ها و دانسته‌های خارج از مرز و بوم نوع مطرود توسعه (یعنی توسعه برون‌زا که برچسب استعمار را به دنبال دارد) الزاماً به همراه نخواهد داشت بلکه با توجه به یافته‌ها و دانش خارج از مرز و بوم و بومی‌سازی آن، آن را وسیله‌ای جهت بهره‌برداری بهتر از آنچه موجود است بر مبنای فرهنگ و سنت خود قرار می‌دهند. آنچه می‌تواند روشن‌فکر را از غرب‌زده (یا شرق‌زده) منفک کند، توجه و تأکید بر توسعه درون‌زا از نوع اخیر است زیرا باز توجه صرف به داشته‌ها و طرد هرگونه یافته و دانش غیرخودی نیز نشان تحجر است.

الف - ۲) توسعه فرهنگی

«منظور از توسعه فرهنگی (Cultural Development) نوعی دگرگونی است که از طریق تراکم عناصر فرهنگی (تمدن) در یک جامعه معین صورت می‌گیرد و بر اثر آن جامعه همواره کنترل مؤثرتری بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند. در این تراکم برگشت‌ناپذیر، معارف، فنون و تکنولوژی به عناصری که از پیش وجود داشته و منشأ این‌ها بوده است، افزوده می‌شود» (شایان‌مهر، ۱۳۷۹: ۱۹۵) از آنجایی که توسعه فرهنگی جنبه‌ای روان‌شناختی دارد، بر فکر، آراء و اندیشه افراد و سپس بر گروه‌ها و در نهایت بر ملت تأثیر می‌گذارد و در واقع نوعی آمادگی برای پذیرش یا طرد نوآوری و یافته‌های جدید ایجاد می‌کند که می‌تواند شتاب‌بخش به توسعه و یا مانع آن باشد.

الف - ۳) توسعه اجتماعی

«توسعه اجتماعی (Social Development) از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه زندگی افراد پیوند دارد و ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی و ایجاد شرایط مطلوب در زمینه تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش، فقرزدایی، گذران اوقات فراغت و... است. توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی، جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده هستند و هر دو نوع الزاماً به ایجاد تفکیک و تمایز فزاینده در جامعه منجر می‌شوند» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۴۷) «توسعه اجتماعی اصولاً در رابطه با نیازهای اجتماعی، حیاتی است؛ یعنی مهیا ساختن تمام فرصت‌های زندگی که برای تحقق پتانسیل انسانی تا بیش‌ترین حد ممکن ضروری است. توسعه اجتماعی به این آرمان پای‌بند است که هر فردی فی‌نفسه ارزشمند است و فرد دغدغه اصلی جامعه است. احترام به شخص و انسانیت عام در قلب فلسفه توسعه اجتماعی قرار دارد» (واسیست، ۱۳۸۷: ۱۹۸) به‌طور خلاصه می‌توان توسعه اجتماعی را وجه عینی‌شده توسعه فرهنگی که بیش‌تر ذهنی است، دانست و آن دو را فرآورد یک رخداد در نظر گرفت.

الف - ۴) نوسازی اجتماعی

نوسازی اجتماعی هم‌چون توسعه اجتماعی برآیند تأثیر توسعه فرهنگی است و حالت گذر از عقب‌ماندگی به توسعه‌یافتگی را نمایان می‌سازد. نوسازی اجتماعی بیش‌تر امری خنثی است و شاید بتوان تفاوت آن را با توسعه در این نکته دانست که نوسازی نمود اموراتی است که در همه کشورهای توسعه‌یافته دیده می‌شود و حتی ممکن است در سایر کشورهای حتی توسعه‌نیافته نیز وجود داشته باشد (مانند نهاد دانشگاه) اما جهت تأثیر ندارد و یا این جهت نامشخص است اما در توسعه اجتماعی جهت تأثیر مثبت بوده و آنچه نوسازی شده، ابتدا درونی گشته و جامعه را پیش می‌برد. نوسازی اجتماعی (Social Modernization) «فرایندی است که در سطحی فراتر از فرد مطرح می‌باشد و طی آن تنگناها و محدودیت‌های جامعه سنتی از میان برداشته می‌شود و در جامعه شاهد رشد و توسعه شاخص‌هایی چون میزان شهرنشینی، باسوادی گسترش رسانه‌های گروهی، صنعتی شدن، عقلایی ساختن سازمان‌های اجتماعی، عام شدن رفتارها، اکتسابی شدن موقعیت‌ها، مشارکت اجتماعی و سایر موارد هستیم» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۵۸).

ب) متغیرهای الگویی

پارسونز (T.Parsons) برای تفکیک جامعه سنتی که فاقد توسعه اجتماعی است از جامعه مدرن که توسعه اجتماعی یافته است، پنج ملاک در نظر گرفته است:

ب - ۱) کنش عاطفی در برابر کنش غیرعاطفی؛

ب - ۲) جهت‌گیری جمع‌گرا در برابر جهت‌گیری خویش‌نوا؛

ب - ۳) عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی؛

ب - ۴) انتسابی در برابر اکتسابی؛

ب - ۵) اشاعه در برابر تفکیک (رک. روشه، ۱۳۷۶: ۷۰).

در جوامع سنتی ملاک ارزیابی و سنجش برخلاف جامعه توسعه یافته بر اساس کنش عاطفی، جمع‌گرایی، عام‌گرایی، انتسابی و اشاعه می‌باشد که پای‌بندی خاصی نسبت به این قبیل امور در آن دیده می‌شود. متغیرهای فوق که تبیین‌کننده سطح توسعه اجتماعی می‌باشند در سطح فردی ویژگی‌هایی فرهنگی هستند که می‌توانند بر گروه تأثیر گذاشته و به سطح ملت سرایت کنند.

پ) رابطه ادبیات با اجتماع

از دیدگاه جامعه‌شناسی «فرهنگ را می‌توان به مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضای یک جامعه معین تعریف کرد» (کوئن، ۱۳۷۶: ۵۹) اکتسابی بودن فرهنگ حائز اهمیت و توجه است. گاه ادبیات بخش جدایی‌ناپذیری از اعتقادات افراد یک اجتماع نیز می‌شود، چنان که در کشورمان بسیاری از جنبه‌های اعتقادی را با اشعار مولوی و حافظ باز فهم کرده‌ایم. همان‌طور که می‌توان دریافت وجه ارتباطی ادبیات و اجتماع از کانال فرهنگ صورت می‌پذیرد به این صورت که نوع اجتماع در تمامی ابعاد خود یعنی سیاسی و اقتصادی حتی ویژگی‌های طبیعی و محیط زندگی اجتماعی بستر فرهنگی‌ای به وجود می‌آورد که در آن بستر، شکلی از ادبیات در حالتی روایی و شفاهی (نقالی) که بعدها به شیوه‌ای مکتوب (داستان) تکامل یافت، به وجود می‌آید.

ت) مسائل اجتماعی در آثار ادبی زبان فارسی

ادبیات که وظیفه‌اش را حمل معانی و ضرورت‌های جامعه می‌داند، لابد مسئله و نگرانی‌ای دارد. حال این مسئله چه می‌تواند باشد. طبیعی است که هر دوره‌ای مسائل و نگرانی‌های خود را دارد و هر نویسنده بر حسب طبع و ظرف و درک خود موردی را مسئله دانسته و به آن می‌پردازد. «به‌طور قطع، بسیاری از آثار ادبی فارسی حاصل

تجربیات اجتماعی پدیدآورندگان آنهاست. آثاری که تار و پود آنها از واقعیت‌ها و آمال و آرزوهایی بافته شده که از زندگی اجتماعی عصر، مایه گرفته است و زوایای پنهان و ناآشنای جنبه‌های متعدد فرهنگ ایرانی از لابه‌لای این آثار آشکار می‌گردد. به همین دلیل آثار ادب فارسی، گذشته از محاسن بلاغی و هنری، ساختار تفکر رایج و نظام اجتماعی و سیاسی هر عصر و جهان‌بینی حاکم بر آن است و هم‌چنین تضادهای اجتماعی و طبقاتی و روابط و مناسبات خویشاوندی و قومی و اعتقادات مردم را روشن می‌سازد. در حقیقت ادبیات از این جهات بخشی از حافظه جمعی و پیوندهای قومی ایرانیان شمرده می‌شود. ادبیات فارسی مبین رشته پیوند اقوام متعدد و یکی از بزرگ‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده ملیت ایران است» (تنکابنی، ۱۳۸۲: ۶) مسئله اجتماعی مورد توجه در این نوشتار مبحث توسعه و توجه ادبیات کشور در فاصله یک قرن، ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰ شمسی به آن بوده است. «مسئله اجتماعی به شرایطی اطلاق می‌شود که غلط، مشکل‌زا، شایع و قابل تغییر باشد» (لوزیک، ۱۳۸۱: ۲۵).

ث) ادبیات و جامعه‌شناسی

برای جامعه‌شناسی تعاریف مختلفی وجود دارد و بر حسب آن که از کدام منظر و پارادایم فکری به آن نگریسته شده، این تعاریف به لحاظ شکل متفاوتند اما همگی آنها در ویژگی‌های اساسی این علم مشترکند. به طور عام می‌توان جامعه‌شناسی را «مطالعه علمی زندگی گروهی انسان‌ها و نتایج و آثار رفتارهای اجتماعی دانست» (کوئن ۱۳۷۶: ۳۲) در واقع در جامعه‌شناسی نه تنها خود جامعه و گروه از هر نوعی مورد توجه است، بلکه آثاری که گروه‌های جامعه از خود بر جای می‌گذارند نیز قابل مطالعه است و این ارتباط البته دو سویه است. شرایط اجتماعی و سیاسی و... آثار ادبی را خلق می‌کند و آثار ادبی با تأثیر بر مخاطبان، جامعه را هدایت می‌کند.

ج) ادبیات معاصر و محدوده آن

"ژان پل سارتر" نویسنده و متفکر معاصر فرانسه می‌گوید: «غرض از ادبیات تلاش و مبارزه است، تلاش و مبارزه برای نیل به آگاهی برای جستجوی حقیقت و وصول به حقیقت، برای آزادی انسان» (سارتر، ۱۳۶۳: ۳۵) در طرف مقابل نگرش دیگری نیز وجود دارد که ادبیات را علم بررسی قوانین حاکم بر متون ادبی می‌داند و به همین لحاظ گاه ادبیات با مفاهیم و معانی مربوط به واژه ادب، فاصله گرفته و منظور از آن شناخت نظم و نثر و فنون مربوط به آن‌ها از قبیل دستور زبان، معانی و بیان، عروض قافیه و صنایع بدیعی شده است.

در بحث از ادبیات معاصر ایران، بنا به دلایل مختلف، باید نهضت مشروطه را مبدأ تعریف و مطالعه قرار داد. اهم این دلایل عبارتند از:

ج - ۱) از آغاز پیدایش افکار مشروطه‌خواهی نظم و نثر دچار تحول گردید و مفاهیم و مضامین جدیدی در جهت افکار آزادی‌خواهی و مردم‌سالاری در نظم و نثر راه یافت.

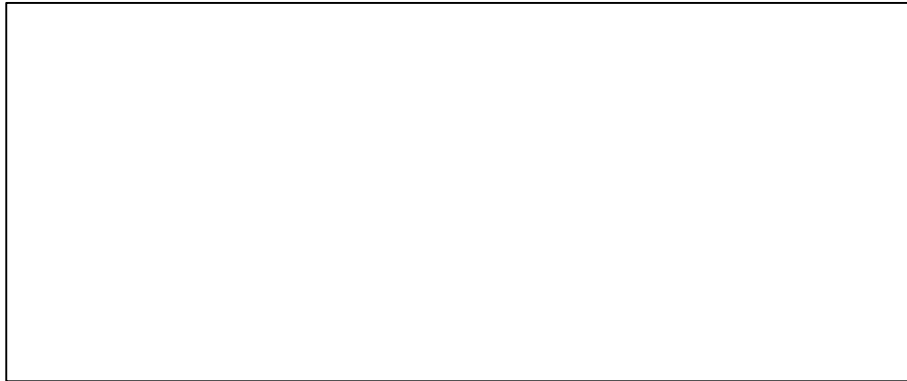
ج - ۲) افکار آزادی‌خواهی و نهضت مشروطه‌طلبی باب ادبیات سیاسی را در ایران گشود و ژانر جدیدی به نام ادبیات "سیاسی" بر رشته‌های سنتی مانند ادبیات حماسی و ادبیات بزمی اضافه شد.

ج - ۳) افکار مشروطه‌خواهی و آغاز نهضت مشروطیت به انتشار روزنامه‌های مردمی و پیدایی روزنامه‌نگاری کمک کرد و نویسندگان صاحب‌نامی را در این زمینه معرفی کرد. نخستین روزنامه‌هایی که در ایران انتشار یافتند، دولتی بودند و تأسیس اولین آن‌ها بر حسب فرمان ناصرالدین شاه انجام گرفت. این روزنامه‌ها معمولاً به درج اخبار و حوادث، آن‌ها به صورت گزیده، قناعت می‌کردند. با تأسیس آن‌ها راه برای انتشار روزنامه‌های مردمی هموار شد و چندین روزنامه در داخل و خارج منتشر

گردید. روزنامه‌های مزبور را باید از عوامل مؤثر در برپایی نهضت مشروطیت دانست. ج - ۴) ترجمه کتاب‌ها و آثار مختلف از زبان‌های اروپایی به فارسی که غالباً از سوی محصلین اعزامی به خارج انجام می‌گرفت و با اشاعه افکار مشروطه‌خواهی و نهضت مشروطیت هم‌زمان بود. تحولی در نظم و نثر فارسی به‌وجود آورد.

چ) چارچوب نظری

در پژوهش حاضر از میان همه مبانی مرتبط که می‌توانستند چارچوب این نوشتار باشند، کارکردگرایی در نوع پارسونزی آن به عنوان چارچوب نظری برگزیده شد. در دیدگاه کارکردگرایی و به‌خصوص تئوری پارسونز، هیچ چیزی در جامعه بی‌جهت نیست و وجودش ضرورتی دارد. پارسونز معتقد است چون نگرش‌ها (مثل اندیشه‌های نویسندگان)، اجتماعی‌اند و در عمل شرایط ساخت کنش را شکل می‌دهند، بسیار متنوع بوده و کافی است آن‌ها را به چند نوع اساسی که الگوهای تحلیلی را تشکیل می‌دهند، تبدیل کنیم. پارسونز با استفاده از مفهوم کنش اجتماعی، سلسله‌مراتبی را پیشنهاد می‌کند. بدین معنا که خرده‌سامانه‌ها بر حسب غنای اطلاعاتی و فقر انرژی نظم یافته‌اند.



در این سلسله مراتب سامانه فرهنگی در رأس قرار دارد، چون اساساً از عناصر نمادین مثل شناخت و ارزش‌ها تشکیل شده است و بر عکس سامانه زیستی در پایان قرار دارد. هر چند پارسونز در این سلسله‌مراتب از ارزش‌ها سخنی به میان نمی‌آورد، ولی با استفاده از نوع سلسله‌مراتب و نهادهایی که او در این سلسله‌مراتب مطرح می‌کند می‌توان به نوعی ربط ارزشی پرداخت و آن را نوعی سلسله‌مراتب ارزشی به حساب آورد. بر اساس این سلسله‌مراتب، ارزش‌های اخلاقی و معنوی در رأس قرار می‌گیرند زیرا ضامن حفظ نظم و تعادل و حفظ فرهنگ هستند. در این رده‌بندی ارزش‌های حقوقی و هنجارهای اجتماعی دارای اهمیت هستند و سپس ارزش سیاسی که سبب نظم بخشیدن به جامعه و ضامن انجام و رعایت هنجارهای جامعه‌اند و در پایین‌ترین رده، نهادهای اقتصادی و به عبارتی ارزش‌های اقتصادی قرار دارند که ضامن ادامه حیات و توالی زیستی جامعه‌اند.

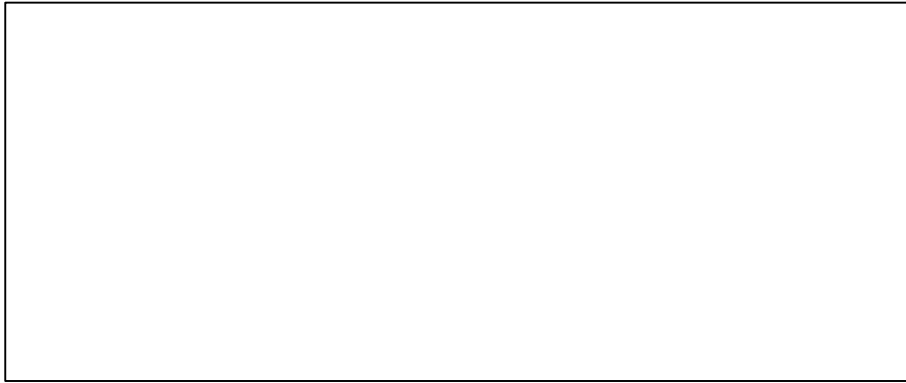
مدل‌واره زیر سطوح انتزاعی و فرعی کارکردی جامعه را نشان می‌دهد:

سیاست	اقتصاد
اجتماع جمعی	نهادهای جامعه‌پذیری

به این ترتیب نگرش‌های چهارگانه نویسندگان، منجر به منش‌های خاصی در مخاطبین خواهد شد که در سطح جامعه خود در مدل فرعی به شکل زیر می‌تواند ارائه شود:

منش‌های سیاسی	منش‌های اقتصادی
منش‌های اجتماعی	منش‌های فرهنگی

گسترده‌گی ابعاد هر یک از بخش‌های مدل بر کسی پوشیده نیست و سنجش نگرش‌ها در همه ابعاد خود، کاری دشوار و چه بسا ناممکن است. لذا جهت سنجش آن، ابعاد مشخصی از آن مد نظر قرار گرفته است و از ترکیب و ادغام و گزینش عوامل گوناگون مدل فرضی زیر استنتاج شده است:



ح) روش‌شناسی پژوهش

این مقاله که بخشی از یک پژوهش گسترده در ادبیات صد سال اخیر به روش کیفی است با توجه به محدودیت‌های موجود به شکل زیر مورد ارزیابی و تلخیص قرار گرفته است.

ح - ۱) شاخص‌های توسعه

شاخص توجه به توسعه در نگرش نویسندگان در ابعاد چهارگانه چارچوب نظری برحسب مطالعه متون، مشخص شد که شامل موارد ذیل بوده است:

همدلی، آرزومندی، اعتماد متقابل در روابط، گذشته‌نگری، فقدان امنیت، کنترل بر محیط و شرایط، تدبیرگرایی، وقت‌شناسی، اعتقاد به پیشرفت، توجه به ارزش فرد، استفاده از اوقات فراغت، مشارکت اجتماعی، برخورد غیرعاطفی، عدم اعتماد شخصی، آمادگی برای پذیرش تجربیات جدید، توجه به آموزش، تحرک اجتماعی، امنیت، نوآوری، علم‌گرایی، اکتسابی بودن مقام و منزلت، استفاده از برنامه‌ریزی درازمدت در توسعه، توجه به انجمن‌ها، آموزش زنان، کمرنگ شدن روابط خانوادگی، نقد اجتماعی.

ح - ۲) نمونه تحقیق

پس از تعیین جامعه تحقیق که شامل سی نویسنده بوده است، با در نظر گرفتن سه

معیار سطح مهارت ادبی، مردمی بودن و اقبال عمومی به آثار و نیز نگرش و توجه شاعر و نویسنده به شاخص‌های توسعه، پنج نویسنده به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه حاصل گردآوری اطلاعات فقط درباره تعدادی از اعضای جمعیت است. نمونه می‌تواند با درجاتی از دقت بازتاب جمعیتی باشد که از آن برگرفته شده است. در این انتخاب برای جلوگیری از خطای ناشی از سوگیری محقق و پرسش‌گر و حفظ بی‌طرفی ارزشی پژوهش، نظر داوران، ملاک ارزیابی تعیین گردید. به این لحاظ متخصصین عبارت بودند از بیست و چهار نفر از اعضای هیأت علمی و مدرسین دانشگاه که دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکترا بوده‌اند.

ح - ۳) چگونگی انتخاب نمونه تحقیق

برای انتخاب نویسندگان، اسامی نویسندگان مطرح در دوره زمانی ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰ هجری شمسی به اعضای هیأت علمی و مدرسین داده شد و آن‌ها نظر خود را در بازه نمره صفر تا چهار به نویسنده مورد نظر ابراز نمودند. پس از نمره‌گذاری از سوی پرسش‌شوندگان، نمره هر نویسنده با جمع نمرات در سه شاخه مورد نظر و محاسبه میانگین آن و مقایسه آن با سایر نویسندگان، بر حسب نمرات به دست آمده علی‌اکبر دهخدا، محمدعلی جمال‌زاده، صادق هدایت، جلال آل‌احمد و سیمین دانشور به عنوان نمونه انتخاب شدند. با بررسی کتاب‌های منتخب نویسندگان و استخراج و مقوله‌بندی آن‌ها، در قالب تکنیک تحلیل محتوا بر اساس رویکرد کارکردگرایی پارسونز به توسعه اقبال نویسندگان به شاخص‌های توسعه بدین صورت به دست آمده است:

ح - ۱ - ۱) نگرش دهخدا به توسعه

در این پژوهش کتاب "چرند و پرند" دهخدا به عنوان نمونه جهت بررسی برگزیده شد. طبق مقایسه به عمل آمده از مفاهیم مورد استفاده دهخدا، وی در قالب چارچوب تئوریک پارسونزی در جدول شماره ۱ جمعاً هفده مقوله در قالب انواع توسعه استفاده کرده است که بیش‌ترین توجه او به توسعه، در بخش توسعه فرهنگی با ۴۱/۱۸ درصد

ادبیات داستانی و توسعه اجتماعی • کبری مزده جویباری، عیسی چراتی • صص ۵۹-۸۲ □ ۷۱

و سپس نظام اجتماعی با ۳۵/۳۰ درصد، بوده است. کمترین میزان استفاده از مفاهیم مرتبط با توسعه مربوط به توسعه اقتصادی با ۵/۸۸ درصد بوده است.

جدول شماره ۱. تعداد مفاهیم مورد استفاده دهخدا در هر نظام

ردیف	نظام	تعداد مقولات استفاده شده	درصد مقولات استفاده شده
۱	اقتصادی	۱	۵/۸۸
۲	سیاسی	۳	۱۷/۶۴
۳	اجتماعی	۶	۳۵/۳۰
۴	فرهنگی	۷	۴۱/۱۸
مجموع ۴ نظام		۱۷	۱۰۰

جدول زیر تجمیع یافته‌ها در ارتباط با تعداد دفعات استفاده از مقولات (تکرار

مقولات) است.

جدول شماره ۲. تجمیع دفعات استفاده از مفاهیم

ردیف	نظام	تعداد دفعات استعمال مقولات	درصد دفعات استعمال مقولات
۱	اقتصادی	۴	۵/۷۱
۲	سیاسی	۱۵	۲۱/۴۲
۳	اجتماعی	۳۱	۴۴/۲۹
۴	فرهنگی	۲۰	۲۸/۵۸
مجموع ۴ نظام		۷۰	۱۰۰

اما در دفعات استفاده از مقولات مورد توجه دهخدا به حیطة توسعه اجتماعی با ۴۴/۲۹ درصد بیش‌تر از سایر انواع توسعه بوده و با فاصله‌ای چشم‌گیر مفاهیم مرتبط با توسعه اقتصادی با ۵/۷۱ درصد، کمترین بار تکرار شده است. او از مجموع چهار نظام پارسونزی ۷۰ بار در کتاب "چرند و پرند" به مفاهیم مرتبط با توسعه اشاره کرده است.

۷۲ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی پژوهشی)، سال سوم، شماره ۲ (پای در پی ۱۰)، زمستان ۱۳۹۱

ح - ۱ - ۲) نگرش جمال‌زاده به توسعه

برحسب بررسی‌های انجام شده کتاب‌های "سر و ته یه کرباس" و "یکی بود، یکی نبود" جمال‌زاده بیش‌ترین مقاربت را با اهداف پژوهش داشته است.

جدول زیر ارزیابی دو کتاب جمال‌زاده است.

جدول شماره ۳. تجمیع تعداد مفاهیم مورد استفاده جمال‌زاده

درصد کل مقولات	میانگین تعداد مقولات	تعداد مقولات استفاده شده		نظام	ردیف
		یکی بود یکی نبود	سر و ته یه کرباس		
۳۳/۳۳	۴/۵	۳	۶	اقتصادی	۱
۱۱/۱۱	۱/۵	۱	۲	سیاسی	۲
۲۲/۲۳	۳	۳	۳	اجتماعی	۳
۳۳/۳۳	۴/۵	۴	۵	فرهنگی	۴
۱۰۰	۱۳/۵	۱۱	۱۶	مجموع ۴ نظام	

طبق مقایسه به عمل آمده از مفاهیم مورد استفاده جمال‌زاده در قالب چارچوب تئوریک پارسونزی، بیش‌ترین توجه او به توسعه در بخش توسعه فرهنگی و اقتصادی با ۳۳/۳۳ درصد و کم‌ترین رویکرد او به نظام سیاسی با ۱۱/۱۱ درصد بوده است. جدول زیر ارزیابی دو کتاب جمال‌زاده به لحاظ میزان تکرار مقولات توسعه‌ای در آن‌هاست.

جدول شماره ۴. تجمیع دفعات استفاده از مفاهیم

درصد کل مقولات	میانگین تعداد مقولات	تعداد دفعات استفاده از مقولات		نظام	ردیف
		یکی بود یکی نبود	سر و ته یه کرباس		
۲۱/۲۸	۱۰	۶	۱۴	اقتصادی	۱
۱۹/۱۵	۹	۵	۱۳	سیاسی	۲
۳۱/۹۱	۱۵	۱۰	۲۰	اجتماعی	۳
۲۷/۶۶	۱۳	۱۱	۱۵	فرهنگی	۴
۱۰۰	۴۷	۳۲	۶۲	مجموع ۴ نظام	

ادبیات داستانی و توسعه اجتماعی • کبری مزده جویباری، عیسی چراتی • صص ۵۹-۸۲ □ ۷۳

در دفعات استفاده از مقولات مورد توجه جمال‌زاده، حیطة توسعه اجتماعی با ۳۱/۹۱ درصد بیش‌تر از سایر انواع توسعه بوده و کم‌ترین توجه او به توسعه سیاسی با ۱۹/۱۵ درصد بوده است.

ح - ۱ - ۳) نگرش هدایت به توسعه

میانگین محاسبه شده مقولات به کار رفته در سه کتاب مورد بررسی هدایت "سگ ولگرد"، "سه قطره خون" و "زنده به گور" در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۵. تجمیع تعداد مفاهیم مورد استفاده هدایت

ردیف	نظام	تعداد مقولات استفاده شده			جمع کل مقولات	درصد کل مقولات
		سگ ولگرد	سه قطره خون	زنده به گور		
۱	اقتصادی	۲	۳	۲	۲/۳	۱۷/۳
۲	سیاسی	۱	۱	۱	۱	۷/۵
۳	اجتماعی	۱	۳	۳	۲/۳	۱۷/۳
۴	فرهنگی	۸	۹	۶	۷/۷	۵۷/۹
مجموع ۴ نظام		۱۲	۱۶	۱۲	۱۳/۳	۱۰۰

طبق مقایسه به عمل آمده از مفاهیم مورد استفاده هدایت در قالب چارچوب تئوریکی پارسونزی در جدول شماره ۵، بیش‌ترین توجه او به توسعه در بخش توسعه فرهنگی با ۵۷/۹ درصد و کم‌ترین رویکرد او به نظام سیاسی با ۷/۵ درصد بوده است.

جدول شماره ۶. تجمیع دفعات استفاده از مفاهیم

ردیف	نظام	تعداد مقولات استفاده شده			جمع کل مقولات	درصد کل مقولات
		سگ ولگرد	سه قطره خون	زنده به گور		
۱	اقتصادی	۴	۶	۴	۴/۷	۱۲/۷
۲	سیاسی	۲	۹	۵	۵/۳	۱۴/۳
۳	اجتماعی	۵	۱۳	۱۱	۹/۷	۲۶/۲
۴	فرهنگی	۲۳	۱۴	۱۵	۱۷/۳	۴۶/۸
مجموع ۴ نظام		۳۴	۴۲	۳۵	۳۷	۱۰۰

در دفعات استفاده از مقولات مورد توجه هدایت، حیطة توسعه فرهنگی با ۴۶/۸ درصد بیش‌تر از سایر انواع توسعه بوده و کم‌ترین توجه او به توسعه اقتصادی با ۱۲/۷ درصد بوده است.

ح - ۱ - ۴) نگرش آل‌احمد به توسعه

بر حسب موضوع پژوهش کتاب‌های "نون و القلم"، "مدیر مدرسه"، "از رنجی که می‌بریم" و "زن زیادی" جهت بررسی انتخاب گردیدند. در جدول تجمعی مقولات و دفعات تکرار آنها نتایج زیر در جدول نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۷. تجمیع تعداد مفاهیم مورد استفاده آل‌احمد

ردیف	نظام	تعداد مقولات استفاده شده				میانگین کل مقولات	درصد کل
		نون والقلم	مدیر مدرسه	از رنجی که می‌بریم	زن زیادی		
۱	اقتصادی	۶	۴	۴	۴	۴/۵	۲۴/۶۶
۲	سیاسی	۴	۱	۱	۱	۱/۷۵	۹/۶
۳	اجتماعی	۱۰	۶	۲	۶	۶	۳۲/۸۷
۴	فرهنگی	۶	۹	۵	۴	۶	۳۲/۸۷
مجموع ۴ نظام		۲۶	۲۰	۱۲	۱۵	۱۸/۲۵	۱۰۰

ادبیات داستانی و توسعه اجتماعی • کبری مزده جویباری، عیسی چراتی • صص ۸۲-۵۹ □ ۷۵

طبق مقایسه به عمل آمده از مفاهیم مورد استفاده آل احمد در قالب چارچوب تئوریک پارسونزی در جدول شماره ۷، بیشترین توجه او به توسعه در دو نظام اجتماعی و فرهنگی به طور برابر با ۳۲/۸۷ درصد و کمترین رویکرد او به نظام سیاسی با ۹/۶ درصد بوده است.

جدول شماره ۸. تجمیع دفعات استفاده از مفاهیم

درصد کل دفعات	میانگین تعداد دفعات	تعداد دفعات استعمال مقولات				نظام	ردیف
		زن زیادی	ازرنجی که می‌بریم	مدیر مدرسه	نون والقلم		
۲۰/۹۶	۱۲	۱۸	۷	۹	۱۴	اقتصادی	۱
۱۳/۱	۷/۵	۳	۱۲	۳	۱۲	سیاسی	۲
۳۴/۵	۱۹/۷۵	۲۳	۶	۲۶	۲۴	اجتماعی	۳
۳۱/۴۴	۱۸	۵	۲۵	۲۵	۱۷	فرهنگی	۴
۱۰۰	۵۷/۲۵	۴۹	۵۰	۶۳	۶۷	مجموع ۴ نظام	

در دفعات استفاده از مقولات مورد توجه او، حیطة توسعه اجتماعی با ۳۴/۵ درصد بیش‌تر از سایر انواع توسعه بوده و در نزدیک آن توسعه فرهنگی با ۳۱/۴۴ درصد قرار دارد و کمترین توجه او به توسعه سیاسی با ۱۳/۱ درصد بوده است.

ح - ۱ - ۵) نگرش دانشور به توسعه

کتاب‌های "جزیره سرگردانی"، "شهری چون بهشت" و "سو و شون" جهت ارزیابی انتخاب شدند که خلاصه یافته‌ها در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۹. تجمیع تعداد مفاهیم مورد استفاده دانشور

درصد کل مقولات	میانگین مقولات	تعداد مقولات استفاده شده			نظام	ردیف
		سو و شون	شهری چون بهشت	جزیره سرگردانی		
۲۴/۵	۴/۳	۳	۴	۶	اقتصادی	۱
۹/۵	۱/۷	۱	۲	۲	سیاسی	۲
۲۰/۵	۳/۶	۳	۳	۵	اجتماعی	۳
۴۵/۵	۸	۷	۷	۱۰	فرهنگی	۴
۱۰۰	۱۷/۶	۱۴	۱۶	۲۳	مجموع ۴ نظام	

طبق مقایسه به عمل آمده از مفاهیم مورد استفاده دانشور در قالب چارچوب تئوریک پارسونزی در جدول شماره ۹، بیش‌ترین توجه او به توسعه، به نظام فرهنگی با ۴۵/۵ درصد و کم‌ترین رویکرد او به نظام سیاسی با ۹/۵ درصد بوده است.

جدول شماره ۱۰. تجمیع دفعات استفاده از مفاهیم

درصد کل دفعات استعمال مقولات	میانگین تعداد دفعات	تعداد دفعات استعمال مقولات			نظام	ردیف
		سو و شون	شهری چون بهشت	جزیره سرگردانی		
۲۰/۴	۱۷	۱۴	۷	۳۰	اقتصادی	۱
۱۹/۲	۱۶	۱۳	۱۶	۱۹	سیاسی	۲
۸/۴	۷	۵	۵	۱۱	اجتماعی	۳
۵۲	۴۳	۲۴	۲۱	۸۵	فرهنگی	۴
۱۰۰	۸۳	۵۶	۴۹	۱۴۵	مجموع ۴ نظام	

در دفعات استفاده از مقولات مورد توجه او، حیطة توسعه فرهنگی با ۵۲٪ بیش‌تر از سایر انواع توسعه بوده و کم‌ترین توجه او به توسعه اجتماعی با ۸/۴٪ بوده است.

ح - ۴) توجه به توسعه در نظام‌های چهارگانه

در مجموع، توجه اصلی نویسندگان مورد بررسی به توسعه فرهنگی بیش‌تر از انواع دیگر توسعه بوده است (۴۲/۱۵ درصد) که در این مورد تمامی نویسندگان بیش‌ترین توجه را به این نوع توسعه مبذول داشته‌اند و کم‌ترین توجه ایشان در مفهوم به مفاهیم مرتبط با توسعه سیاسی با ۱۱/۰۷ درصد بوده است. در میان نویسندگان، بیش‌ترین توجه به توسعه اقتصادی متعلق به جمال‌زاده (۳۳/۳۳ درصد) و کم‌ترین توجه متعلق به دهخدا با ۵/۸۸ درصد بوده است. هم‌چنین بیش‌ترین توجه به توسعه سیاسی، متعلق به دهخدا (۱۷/۶۴ درصد) و کم‌ترین توجه متعلق به هدایت با ۷/۵ درصد بوده است. نیز بیش‌ترین توجه به توسعه اجتماعی متعلق به دهخدا (۳۵/۳۰ درصد) و کم‌ترین توجه متعلق به هدایت با ۱۷/۳ درصد بوده است. در نهایت بیش‌ترین توجه به توسعه فرهنگی متعلق به هدایت (۵۷/۹ درصد) و کم‌ترین توجه متعلق به آل‌احمد با ۳۲/۸۷ درصد بوده است. جدول شماره ۱۱ به طور مختصر گویای وضعیت مذکور است.

جدول شماره ۱۱. درصد تعداد مفاهیم مورد استفاده در مجموع

ردیف	نظام	درصد مقولات استفاده شده بین نویسندگان				
		دهخدا	جمال‌زاده	هدایت	آل احمد	دانشور
۱	اقتصادی	۵/۸۸	۳۳/۳۳	۱۷/۳	۲۴/۶۶	۲۴/۵
۲	سیاسی	۱۷/۶۴	۱۱/۱۱	۷/۵	۹/۶	۹/۵
۳	اجتماعی	۳۵/۳۰	۲۲/۲۳	۱۷/۳	۳۲/۸۷	۲۰/۵
۴	فرهنگی	۴۱/۱۸	۳۳/۳۳	۵۷/۹	۳۲/۸۷	۴۵/۵
	مجموع ۴ نظام	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

هم‌چنین در مجموع در میزان دفعات استفاده از مقولات مرتبط با توسعه، توجه نویسندگان مورد بررسی به توسعه فرهنگی بیش‌تر از انواع دیگر توسعه بوده است (۳۷/۳ درصد) و کم‌ترین توجه ایشان در مفهوم به مفاهیم مرتبط با توسعه اقتصادی با

۷۸ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی پژوهشی)، سال سوم، شماره ۲ (پی‌درپی ۱۰)، زمستان ۱۳۹۱

۱۶/۲۱ درصد بوده است. در میان نویسندگان مورد تحقیق ما، بیش‌ترین توجه به توسعه اقتصادی متعلق به جمال‌زاده (۲۱/۲۸ درصد) و کم‌ترین توجه متعلق به دهخدا با ۵/۷۱ درصد بوده است. هم‌چنین بیش‌ترین توجه به توسعه سیاسی متعلق به دهخدا (۲۱/۴۲ درصد) و کم‌ترین توجه متعلق به آل‌احمد با ۱۳/۱ درصد بوده است. نیز بیش‌ترین توجه به توسعه اجتماعی متعلق به دهخدا (۴۴/۲۹ درصد) و کم‌ترین توجه متعلق به دانشور با ۸/۴ درصد بوده است. در نهایت بیش‌ترین توجه به توسعه فرهنگی متعلق به دانشور (۵۲ درصد) و کم‌ترین توجه متعلق به جمال‌زاده با ۲۷/۶۶ درصد بوده است.

جدول شماره ۱۲ به‌طور مختصر گویای وضعیت مذکور است.

جدول شماره ۱۲. تعداد دفعات مفاهیم مورد استفاده در مجموع

درصد دفعات استفاده از مقولات بین نویسندگان						نظام	ردیف
دهخدا	جمال‌زاده	هدایت	آل احمد	دانشور	میانگین مجموع		
۵/۷۱	۲۱/۲۸	۱۲/۷	۲۰/۹۶	۲۰/۴	۱۶/۲۱	اقتصادی	۱
۲۱/۴۲	۱۹/۱۵	۱۴/۳	۱۳/۱	۱۹/۲	۱۷/۴۳	سیاسی	۲
۴۴/۲۹	۳۱/۹۱	۲۶/۲	۳۴/۵	۸/۴	۲۹/۰۶	اجتماعی	۳
۲۸/۵۸	۲۷/۶۶	۴۶/۸	۳۱/۴۴	۵۲	۳۷/۳	فرهنگی	۴
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	مجموع ۴ نظام	

نتیجه

توسعه اجتماعی تغییر مثبت در ابعاد کلی زندگی اجتماعی است که اگر مبتنی بر نیازمندی‌ها و الزامات درونی یک نظام باشد، می‌تواند زندگی را بهبود بخشد. از این رو و برای دستیابی به وضعیت ایده‌آلی از تشخیص نیازها، به نظر می‌رسد روشن‌فکران جامعه، نقشی برجسته می‌باید ایفا کنند. ادبیات که خود آیین و وضعیت اجتماعی و سیاسی تاریخ یک ملت است، علل یا عواملی را باز نمود می‌کند که تا حدّ بسیاری

واگویه‌ای از رخداد‌های بیرونی است. جستجو در علل و عوامل مؤثر بر وضعیت توسعه در ایران سال‌های ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰ خورشیدی صرفاً در عوامل اقتصادی و سیاسی ریشه ندارد بلکه به نظر می‌رسد بیش از آن که سامانه کلان اجتماعی و سیاسی بتواند جهت بخش فعالیت‌های رخ داده در این عرصه باشد، بخش فرهنگ بالاخص فرهنگ عمومی جامعه، از جمله ادبیات، مؤثر در تنویر افکار و جهت‌دهی به آن بوده‌اند.

علی‌اکبر دهخدا، محمدعلی جمال‌زاده، صادق هدایت، جلال آل‌احمد و سیمین دانشور برحسب نظر متخصصین ادبیات از نویسندگانی هستند که قلم اجتماعی دارند. در جامعه زیسته‌اند و نیز برای همان جامعه نوشته‌اند. گواه این ادله آثار متنوع و متعدد آن‌ها در این عرصه است. با توجه به ارزیابی صورت گرفته، می‌توان اذعان داشت که این نویسندگان، تغییر در عرصه حیات اجتماعی خود را به‌خوبی درک کرده و در راستای آن به استفاده از مفاهیمی نو در عرصه ادبی ایران میل کرده‌اند.

طبق یافته‌های این پژوهش می‌توان فرض کرد که این نویسندگان ضمن هم‌سویی با یک‌دیگر به گونه‌ای با نوشته‌های خود پیشرو و همسو با جریان مدرنیته در ادبیات ایران بوده‌اند. این ارزیابی در چارچوب نظری کارکردگرایی تالکوت پارسونز با دو معیار تعداد دفعات استعمال مقولات و اصطلاحات سنتی و مدرن توسعه و انواع مقولات سنتی و مدرن از توسعه، تحلیل شده است.

در تعداد دفعات استفاده از مفاهیم سنتی و مدرن از توسعه، طبق یافته‌های پژوهش بیش‌ترین مقولات مطرح شده نزد همه نویسندگان، مربوط به عناصر مرتبط با توسعه فرهنگی بوده است و بعد از آن بیش‌ترین اهمیت را عناصر مرتبط با توسعه اجتماعی نزد دهخدا و آل‌احمد داشته است و نزد دانشور و جمال‌زاده این رتبه با توجه به نظام اقتصادی مرتبط بوده است و هدایت با رویکردی برابر، به نظام اجتماعی و اقتصادی توجه کرده است. به غیر از دهخدا که نزد او کم‌ترین توجه به مفاهیم مرتبط با نظام اقتصادی شده است در نزد همگی نویسندگان، مفاهیم مرتبط با حوزه نظام سیاسی با

کم‌ترین اقبال روبه‌رو بوده است. برحسب یافته‌های این پژوهش، تکرار مفاهیم مرتبط با توسعه فرهنگی و اجتماعی بیش از تکرار مقولات مرتبط با توسعه اقتصادی و سیاسی بوده است. اما در این میان نمی‌توان یک روال یا قاعده را در میان آن‌ها یافت به گونه‌ای که نزد هدایت و دانشور تکرار مقولات مرتبط با حوزه نظام فرهنگی، بالاترین توجه را برانگیخته است. دهخدا، جمال‌زاده و آل‌احمد به حوزه اجتماعی توجه بیشتری نشان داده‌اند. از سوی دیگر دهخدا و هدایت کم‌ترین تکرار مقولات را در حوزه نظام اقتصادی استفاده کرده‌اند، در حالی که آل‌احمد و جمال‌زاده نسبت به حوزه سیاسی چنین نگرشی داشته‌اند و جالب‌تر این که، این گونه نگرش، نزد دانشور در نظام اجتماعی به چشم می‌خورد. شاید به خاطر توجه بسیار زیاد او به حوزه فرهنگ، چنین اختلافی به وجود آمده باشد. در خاتمه می‌توان به جرأت حرکت رو به تغییر در ادبیات را حرکتی آگاهانه در این عرصه دانست. این وضع غالب در آثار نویسندگان مورد بررسی، نشان‌دهنده بینش و درک مسئله توسعه در ایران آن سال‌ها را به خوبی باز نمود می‌نماید.

پی‌نوشت

۱. این مقاله منتج از بخشی از طرح پژوهشی با عنوان "بررسی نگرش ادبیات صدساله معاصر ایران نسبت به روند توسعه اجتماعی کشور (۱۲۵۰-۱۳۵۰)" است که به قلم نویسندگان مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جویبار به انجام رسیده است.

منابع

الف) کتاب‌ها:

۱. آل‌احمد، جلال. (۱۳۷۲) از رنجی که می‌بریم. تهران: فردوس.
۲. _____ (۱۳۷۳). زن زیادی. تهران: فردوس.
۳. _____ (۱۳۷۳). مدیر مدرسه. تهران: فردوس.
۴. _____ (۱۳۷۲). نون و القلم. تهران: فردوس.
۵. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی توسعه. ج ۷. تهران: کیهان.
۶. بیرو، آلن. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. ج ۳. تهران: کیهان.
۷. تنکابنی، حمید و دیگران. (۱۳۸۲). شناخت مفاهیم سازگار با توسعه در فرهنگ و ادب فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۵). سر و ته یه کرباس. ج ۲. تهران: سخن.
۹. _____ (۱۳۷۹). یکی بود، یکی نبود. تهران: سخن.
۱۰. دانشور، سیمین. (۱۳۸۰). جزیره سرگردانی. ج ۳. تهران: خوارزمی.
۱۱. _____ (۱۳۷۱). سو و شون. ج ۱۳. تهران: خوارزمی.
۱۲. _____ (۱۳۸۱). شهری چون بهشت. ج ۱۷. تهران: خوارزمی.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). چرند و پرند. تهران: کهبید.
۱۴. روشه، گی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز. ترجمه غلامحسین نیک‌گهر. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تیبیان.
۱۵. زمانی‌نیا، مصطفی. (۱۳۶۳). فرهنگ جلال آل‌احمد. تهران: پاسارگاد.
۱۶. سارتر، ژان پل. (۱۳۶۳). ادبیات چیست؟. ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی. ج ۳. تهران: زمان.
۱۷. سیف‌اللهی، سیف‌الله. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی در ایران. ج ۲. تهران: جامعه‌پژوهان سینا.
۱۸. شایان‌مهر، علیرضا. (۱۳۷۹). دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
۱۹. کوئن، بروس. (۱۳۷۶). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل. ج ۸. تهران: سمت.
۲۰. لوزیک، دانیلین. (۱۳۸۸). نگرش نو در تحلیل مسائل اجتماعی. ترجمه سعید معیدفر. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
۲۱. معین، محمد. (۱۳۷۶). فرهنگ فارسی. ج ۱. ج ۲۴. تهران: امیرکبیر.
۲۲. میرصادقی، جمال و میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۷). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی: فرهنگ تفصیلی اصطلاح‌های ادبیات داستانی. تهران: کتاب مهناز.
۲۳. نیلی‌پور، رضا. (۱۳۸۳). چامسکی و انقلاب زبان‌شناسی. تهران: دانژه.
۲۴. واسیست، آران. (۱۳۸۷). مقاله پرداخت مفهومی توسعه اجتماعی. (از کتاب توسعه اجتماعی). ترجمه محمد ارغنون. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و علوم اجتماعی تهران.

۸۲ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی پژوهشی)، سال سوم، شماره ۲ (پیاوردپی ۱۰)، زمستان ۱۳۹۱

۲۵. هدایت، صادق. (۱۳۸۳). زنده به گور. تهران: جامه‌دران.
۲۶. _____ (۱۳۸۰). سگ ولگرد. ج ۳. تهران: قطره.
۲۷. _____ (۱۳۸۴). سه قطره خون. تهران: نیک فرجام.
۲۸. همایی، جلال‌الدین. (۱۳۶۷). فنون بلاغت و صناعات ادبی. ج ۴. تهران: هما.

(ب) مقاله:

۲۹. برکت، بهزاد. (۱۳۸۵). "ادبیات و نظریه نظام چندگانه و نقش اجتماعی نوشتار". در نامه علم اجتماعی. شماره ۲۸.